

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۴۱۱۶



دانشگاه گیلان و بلوچستان

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی ساختی و مقایسه‌ای ده داستان تمثیلی مثنوی و مآخذ آنها

استاد راهنما:

دکتر مریم خلیلی جهان تیغ

استاد مشاور:

دکتر محمد بارانی

پژوهش و نگارش:

فاطمه محمودی

پاییز ۱۳۸۶

۱۰۴۸۸۹

وزارت اطلاعات آران و سمنان
تاسیس ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۱۸

این پایان نامه با نام _____ به _____ عنوان

..... **بررسی ساختی و مقایسه‌ای ده داستان تمثیلی مثنوی و مآخذ آن‌ها**

..... قسمتی از

برنامه آموزشی دوره‌ی کارشناسی ارشد

..... **زبان و ادبیات فارسی**

..... **فاطمه محمودی**

..... تحت راهنمایی استاد

پایان نامه **دکتر مریم خلیلی جهانتیغ** تهیه شده است.

استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه‌ی تحصیلات

تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو) نام محمدری

این پایان نامه **۴** واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ **۱۳۷۸/۸/۲۶** توسط

هیئت داوران بررسی و نمره **۱۹.۰۰** با درجه **عالی** به آن تعلق گرفت.

تاریخ **۱۳۸۷/۱۱/۲۸**

امضاء

نام و نام خانوادگی

۱۹/۱۸/۳

استاد راهنما: **مریم خلیلی جهانتیغ**
استاد راهنما:

۱۶/۸/۳

استاد مشاور: **محمد داور**

۱۶/۸/۳

داور ۱: **ابراهیم اسمیرادفر**

۱۵/۸/۳

داور ۲: **محمد ایرانشهری**

نماینده تحصیلات تکمیلی: **رضا رفیعی**



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب فاطمه محمودی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه محمودی

امضاء

تقدیم به:

این رساله را در کمال ارادت و تواضع

به روح بلند و اندیشه‌های تابناک مولوی،

تمامی مولوی دوستان و مولوی پژوهان

تقدیم می‌دارم.

سپاس:

با سپاس از پدر و مادرم که اولین آموزگاران من بودند.

و همسرم که صبوری کرد و بزرگواری، همراهی کرد و همدلی.

و فرزندانم که صبور و آرام سختی‌ها را تحمل کردند.

چکیده:

این پژوهش با عنوان « بررسی ساختی و مقایسه‌ای ده حکایت تمثیلی مثنوی و مآخذ آن‌ها » تلاشی در جهت معرفی بعد دیگری از ابعاد ناشناخته‌ی مثنوی و بیان نبوغ و خلاقیت مولوی در این اثر ارزشمند است. نگارنده ابتدا به مطالعه در زمینه‌ی ادبیات داستانی و کتبی که عناصر داستانی را مورد بحث قرار داده‌اند، پرداخته و سپس ضمن مطالعه‌ی حکایت‌های انتخابی و مآخذ آن‌ها در نوزده اثر مختلف، به مقایسه‌ی ساختاری آن‌ها در نه فصل به ترتیب ذیل:

فصل اول: کلیات، نگاهی اجمالی به قصه، داستان، حکایت و تمثیل فصل دوم: طرح و پیرنگ فصل سوم: شخصیت و شخصیت‌پردازی فصل چهارم: گفتگو و بیان هنری فصل پنجم: راوی و زاویه دید فصل ششم: کشمکش، گره و مانع فصل هفتم: زمان، مکان و صحنه‌پردازی فصل هشتم: درون مایه و تحلیل زیرساختی فصل نهم: نتیجه‌گیری نهایی، جدول‌ها و فهرست منابع و مآخذ پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مولوی شگردهای داستان نویسی را گاه در حد رقابت با داستان‌نویسی جدید، متناسب با ظرفیت حکایت‌ها به کار می‌گیرد و مطابق با مقاصد و نیات خود علاوه بر ارکان و اجزای حکایت‌ها در زمینه‌ی اصلی و درون مایه آن‌ها تغییراتی روا می‌دارد و با بهره‌گیری از صنایع ادبی و بیانی هنری در اکثر موارد حکایتی فخیم‌تر، زیباتر و فنی‌تر از مآخذ اصلی می‌آفریند.

واژگان کلیدی: حکایت، تمثیل، عناصر داستانی، ساخت، مولوی، عطار، مقایسه و داستان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بیش‌خفتار.....	الف.....
فصل اول: کلیات	
قصه و قصه‌گویی.....	۲.....
داستان.....	۷.....
حکایت.....	۸.....
تمثیل.....	۱۱.....
ساختارگرایی چیست؟.....	۱۷.....
فصل دوم: طرح و پیرنگ در حکایات منتخب	
مقدمه.....	۲۱.....
۱- شیر و نخجیران در مثنوی.....	۲۴.....
شیر و نخجیران در کلیله و دمنه.....	۲۴.....
۲- طوطی و بازرگان در مثنوی.....	۲۷.....
طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی.....	۲۸.....
طوطی و بازرگان در اسرارنامه عطار.....	۲۹.....
۳- پیرچنگی در مثنوی.....	۳۰.....
پیرچنگی در اسرارالتوحید.....	۳۱.....
پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار.....	۳۲.....
۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی.....	۳۴.....
خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار.....	۳۶.....
خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در جوامع الحکایات عوفی.....	۳۷.....
۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی.....	۳۷.....
پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در تفسیر ابوالفتوح رازی.....	۳۸.....
۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی.....	۳۹.....
قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق خواجه عبدالله انصاری.....	۴۰.....

۴۰	قصه آن کس که در یاری بکوفت در مصیبت نامه عطار
۴۱	۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی
۴۳	مری کردن رومیان و چینیان در احیاء العلوم
۴۳	مری کردن رومیان و چینیان در انوری و اسکندرنامه نظامی
۴۵	۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی
۴۶	ماجرای کر در مقالات شمس
۴۶	۹- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در مثنوی، رساله قشیریه، اسرارالتوحید و جوامع الحکایات
۴۷	۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی
۴۸	ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه
۴۹	نتیجه‌گیری

فصل سوم: شخصیت‌پردازی در حکایات منتخب

۵۲	مقدمه
۵۲	سیر تاریخی شخصیت
۵۴	شیوه‌های شخصیت‌پردازی
۵۵	شخصیت‌پردازی در شیوه سیال ذهن
۵۶	انواع شخصیت‌ها
۵۹	شخصیت‌پردازی از طریق رفتار
۵۹	شخصیت‌پردازی از طریق نام
۶۰	شخصیت‌پردازی از طریق توصیف ظاهری
۶۱	نمای کلی شخصیت‌ها در حکایات منتخب
۶۴	۱- شیر و نخجیران در مثنوی
۶۴	شیر و نخجیران در کلیله و دمنه
۷۰	۲- طوطی و بازرگان در مثنوی
۷۲	طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی
۷۳	طوطی و بازرگان در اسرارنامه عطار
۷۵	۳- پیرچنگی در مثنوی

- ۷۷ پیرچنگی در اسرارالتوحید
- ۷۷ پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار
- ۷۹ ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی
- ۸۰ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار
- ۸۱ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در جوامع الحکایات عوفی
- ۸۳ ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی
- ۸۷ پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در تفسیر ابوالفتوح رازی
- ۸۹ ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی
- ۹۰ قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق خواجه عبدالله انصاری
- ۹۰ قصه آن کس که در یاری بکوفت در مصیبت‌نامه عطار
- ۹۲ ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی
- ۹۳ مری کردن رومیان در احیاء العلوم
- ۹۴ مری کردن رومیان و چینیان در حکایت انوری
- ۹۴ مری کردن رومیان و چینیان در اسکندرنامه نظامی
- ۹۴ ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی
- ۹۵ ماجرای کر در مقالات شمس
- ۹۵ ۹- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه در مثنوی، رساله قشیریه، تذکره الاولیاء، اسرارالتوحید و جوامع الحکایات
- ۹۹ ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی
- ۱۰۰ ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه
- ۱۰۲ نتیجه‌گیری

فصل چهارم: گفتگو و بیان هنری در حکایات منتخب

- ۱۰۶ مقدمه
- ۱۱۰ ۱- شیر و نخجیران در مثنوی
- ۱۱۳ شیر و نخجیران در کلیله و دمنه
- ۱۱۴ ۲- طوطی و بازرگان در مثنوی
- ۱۱۷ طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی

- طوطی و بازرگان در اسرارنامه عطار..... ۱۱۸
- ۳- پیرچنگی در مثنوی ۱۲۰
- پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار..... ۱۲۳
- پیرچنگی در اسرارالتوحید..... ۱۲۴
- ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی..... ۱۲۴
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار..... ۱۲۸
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در جوامع الحکایات عوفی..... ۱۲۹
- ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی و تفسیر ابوالفتوح رازی..... ۱۳۰
- ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی..... ۱۳۳
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق خواجه عبدالله انصاری..... ۱۳۴
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مصیبت‌نامه عطار..... ۱۳۴
- ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی..... ۱۳۵
- مری کردن رومیان و چینیان در اسکندرنامه نظامی، احیاء العلوم و انوری..... ۱۳۶
- ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی..... ۱۳۷
- ماجرای کر در مقالات شمس..... ۱۳۸
- ۹- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه در مثنوی، رساله قشیریه، تذکره الاولیاء، اسرارالتوحید و جوامع الحکایات..... ۱۳۸
- ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی..... ۱۴۰
- ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه..... ۱۴۱
- نتیجه‌گیری..... ۱۴۲
- فصل پنجم: راوی و زاویه دید در حکایات منتخب**
- مقدمه..... ۱۴۴
- ۱- شیر و نخجیران در مثنوی..... ۱۵۰
- شیر و نخجیران در کلیله و دمنه..... ۱۵۰
- ۲- طوطی و بازرگان در مثنوی..... ۱۵۱
- طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی..... ۱۵۲

- طوطی و بازرگان در اسرارنامه عطار..... ۱۵۲
- ۳- پیرچنگی در مثنوی..... ۱۵۳
- پیرچنگی در اسرارالتوحید..... ۱۵۴
- پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار..... ۱۵۵
- ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی..... ۱۵۵
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار و جوامع الحکایات عوفی..... ۱۵۶
- ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی..... ۱۵۷
- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در تفسیر ابوالفتوح رازی..... ۱۵۷
- ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی..... ۱۵۸
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق و مصیبت‌نامه..... ۱۵۹
- ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی..... ۱۵۹
- مری کردن رومیان و چینیان در احیاء العلوم، انوری و اسکندرنامه نظامی..... ۱۶۰
- ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی..... ۱۶۰
- ماجرای کر در مقالات شمس..... ۱۶۱
- ۹- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در مثنوی..... ۱۶۱
- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در رساله قشیریه، تذکره الاولیاء و اسرارالتوحید و جوامع الحکایات... ۱۶۲
- ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی..... ۱۶۲
- ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه..... ۱۶۲
- نتیجه‌گیری..... ۱۶۳

فصل ششم: کشمکش، گره و مانع در حکایات منتخب

- مقدمه..... ۱۶۵
- ۱- شیر و نخجیران در مثنوی..... ۱۶۸
- شیر و نخجیران در کلیله و دمنه..... ۱۶۹
- ۲- طوطی و بازرگان در مثنوی..... ۱۷۰
- طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی..... ۱۷۱
- طوطی و بازرگان در اسرارنامه عطار..... ۱۷۱

- ۳- پیرچنگی در مثنوی ۱۷۲
- پیرچنگی در اسرارالتوحید ۱۷۴
- پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار ۱۷۵
- ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی ۱۷۶
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار ۱۷۶
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در جوامع الحکایات عوفی ۱۷۷
- ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی ۱۷۸
- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در تفسیر ابوالفتوح رازی ۱۷۹
- ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی ۱۷۹
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق خواجه عبدالله انصاری ۱۸۰
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مصیبت‌نامه عطار ۱۸۰
- ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی، احیاء العلوم، انوری و اسکندرنامه نظامی ۱۸۱
- ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی ۱۸۳
- ماجرای کر در مقالات شمس ۱۸۴
- ۹- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در مثنوی ۱۸۴
- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در تذکره الاولیاء ۱۸۵
- حلوا خریدن شیخ احمدخضرویه در اسرارالتوحید، رساله قشیریه و جوامع الحکایات ۱۸۶
- ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی ۱۸۷
- ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه ۱۸۷
- نتیجه‌گیری ۱۸۹

فصل هفتم: زمان و مکان و صحنه‌پردازی در حکایات منتخب

- مقدمه ۱۹۱
- ۱- شیر و نخجیران در مثنوی ۱۹۴
- شیر و نخجیران در کلیله و دمنه ۱۹۵
- ۲- طوطی و بازرگان در مثنوی ۱۹۵
- طوطی و بازرگان در تفسیر ابوالفتوح رازی و اسرارنامه عطار ۱۹۶

- ۳- پیرچنگی در مثنوی ۱۹۷
- پیرچنگی در اسرارالتوحید ۱۹۹
- پیرچنگی در مصیبت‌نامه عطار ۲۰۰
- ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی ۲۰۱
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مصیبت‌نامه عطار ۲۰۱
- خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در جوامع الحکایات عوفی ۲۰۲
- ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی ۲۰۲
- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در تفسیر ابوالفتوح رازی ۲۰۳
- ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی ۲۰۴
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در رساله عقل و عشق خواجه عبدالله انصاری ۲۰۵
- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مصیبت‌نامه عطار ۲۰۵
- ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی، احیاء العلوم و انوری ۲۰۵
- مری کردن رومیان و چینیان در اسکندرنامه نظامی ۲۰۶
- ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی ۲۰۷
- ماجرای کر در مقالات شمس ۲۰۷
- ۹- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه در مثنوی ۲۰۷
- ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی ۲۰۹
- ماجرای دزد و شیر در سندبادنامه ۲۱۰
- نتیجه‌گیری ۲۱۱

فصل هشتم: درون مایه و تحلیل زیرساختی در حکایات منتخب

- مقدمه ۲۱۳
- ۱- شیر و نخجیران در مثنوی و مآخذ ۲۱۶
- ۲- طوطی و بازرگان در مثنوی و مآخذ ۲۲۳
- ۳- پیرچنگی در مثنوی و مآخذ ۲۳۱
- ۴ خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود در مثنوی و مآخذ ۲۳۹
- ۵- پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت در مثنوی و مآخذ ۲۴۹

- ۶- قصه آن کس که در یاری بکوفت در مثنوی و مأخذ..... ۲۵۵
- ۷- مری کردن رومیان و چینیان در مثنوی و مأخذ..... ۲۵۸
- ۸- کر و عیادت بیمار در مثنوی و مأخذ..... ۲۶۲
- ۹- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه در مثنوی و مأخذ..... ۲۶۵
- ۱۰- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را در مثنوی و مأخذ..... ۲۶۹
- نتیجه‌گیری..... ۲۷۳

فصل نهم: نتیجه‌گیری نهایی و نمودارها

- نتیجه‌گیری نهایی..... ۲۷۵
- ۱- نمودار مربوط به عناصر روساختی شیر و نخجیران..... ۲۷۹
- ۲- نمودار مربوط به عناصر روساختی طوطی و بازرگان..... ۲۷۹
- ۳- نمودار مربوط به عناصر روساختی پیرچنگی..... ۲۸۰
- ۴- نمودار مربوط به عناصر روساختی خلیفه که در کرم از حاتم طایی گذشته بود..... ۲۸۰
- ۵- نمودار مربوط به عناصر روساختی پادشاه جهود..... ۲۸۱
- ۶- نمودار مربوط به عناصر روساختی قصه آن کس که در یاری بکوفت..... ۲۸۱
- ۷- نمودار مربوط به عناصر روساختی مری کردن رومیان و چینیان..... ۲۸۲
- ۸- نمودار مربوط به عناصر روساختی کر و عیادت بیمار..... ۲۸۲
- ۹- نمودار مربوط به عناصر روساختی حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه..... ۲۸۳
- ۱۰- نمودار مربوط به عناصر روساختی خاریدن روستایی در تاریکی شیر را..... ۲۸۳
- فهرست منابع و مأخذ..... ۲۸۴

پیشگفتار:

مفاهیم و ارزش‌های درونی و معنوی مثنوی مدت‌هاست که مورد توجه محققین و پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است و سبب تألیف صدها اثر تفسیری و نوشتاری در عرصه‌ی تحقیق ادب و عرفان شده است. اما کمتر درباره‌ی ساختار قصه‌ها و شکل لایه‌های بیرونی آن، مطلبی به رشته تحریر درآمده است. شاید یکی از دلایل این باشد که مولانا قصه را برای تعلیم به کار می‌گیرد، نه قصه‌پردازی لایه‌های بیرونی قصه از نظر او چون پوسته‌ای بی‌ارزش است و می‌گوید:

ای برادر قصه چون پیمان‌های است
معنی اندر وی مثال دانه‌ای است

دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل
ننگرد پیمان‌ها را گرگشت نقل

(۲/۳۶۳۸-۳۶۳۹)

و در جایی دیگر توجه به ظاهر قصه را کار انسان‌های بی‌خبر می‌داند و می‌گوید:

تو به صورت رفته‌ای ای بی‌خبر
زان ز شاخ معنی‌ای بی‌بار و بر

(۲/۳۶۸۱)

البته! قصه‌پردازی هدف مولانا نیست، اما در بسیاری از قصه‌ها و حکایت‌های تمثیلی مثنوی می‌توان عناصر ساختی را دریافت و علاوه بر توجه و دقت مولانا تعلیم، بعد ساختاری و زیباشناسی قصه را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در بعضی از حکایات چنان ماهرانه اصول داستان‌نویسی را به کار می‌گیرد که می‌توان او را سرآمد داستان‌نویسی جدید دانست. پورنامداریان می‌گوید: «دقت و توجه به نکته‌های ظریف در کار داستان‌گویی، شیوه داستان‌پردازی مولوی را بسیار شبیه به داستان‌نویسی جدید می‌کند تا آن جا که می‌توان او را پیشوای داستان‌نویسی دانست.» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۲۸۵)

از آن جا که توجه به ساختار داستان، راهی برای درک بهتر و بیشتر مفاهیم است و قصه‌ها و حکایت‌ها را در بیان بهتر مقصود توانا می‌سازد، این پژوهش بنا دارد به بررسی مقایسه‌ای و ساختی (طرح و پیرنگ، شخصیت‌پردازی، گفتگو، جدال و کشمکش، گره و مانع، زمان و مکان و صحنه‌پردازی، راوی و زاویه دید، درون مایه و تحلیل زیرساختی) در حکایت‌های منتخب از مثنوی و مآخذ آن‌ها بپردازد. در زمینه بررسی شکل و ساختار تحقیقاتی به شرح زیر انجام شده است.

پراپ در کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» به بررسی شکلی قصه‌های پریان پرداخته و در صفحات ۶۰ تا ۱۰۲ کتاب فوق آن‌ها را به هفت حوزه‌ی عمل و سی و یک جزء یا کارکرد تقسیم کرده است.

اولریش مارزلف کتاب « طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی » را به بیان مباحثی درباره‌ی ساختار قصه‌ها اختصاص داده است.

قدمعلی سرآمی در کتاب « از رنگ گل تا رنج خار » به شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه توجه نموده است. خلیلی در کتاب « سیب باغ جان » به اشعار مولوی با نگاهی فرمالیستی و شکل‌گرایانه نگریسته است. خیرآبادی نیز در کتاب « ظرف آب زندگی » به طور کلی و اجمالی به بررسی سه عنصر گفتار، اشخاص و صحنه‌پردازی در حکایات مثنوی پرداخته است. اما پژوهش حاضر با نگاهی متفاوت و مقایسه‌ای به بررسی دقیق عناصر داستانی در ده حکایت منتخب مثنوی و نوزده حکایت مأخذ پرداخته و کوشیده است دریابد: آیا مولوی برای به کارگیری عناصر داستانی در مأخذ حکایت‌ها دخل و تصرف کرده است؟ در این صورت در روستا و ژرف ساخت حکایت‌ها چه تأثیری داشته است؟

میزان به کارگیری عناصر ادبی و داستانی در حکایت‌های مثنوی تا چه حدی است؟ مولوی در به کارگیری شیوه‌های هنری و بیانی تا چه میزان پیش رفته و چه نتایجی به دست آورده است؟ پژوهنده برای دست یابی به پاسخ این سؤالات با استفاده از روش کتابخانه‌ای به مطالعه و فیش‌برداری از ۱۲۲ منبع اقدام نموده و پس از شناخت عناصر داستانی و مطالعه درباره‌ی شخصیت، نگرش و اعتقادات مولوی به بررسی و مقایسه‌ی روستا و ژرف‌ساخت حکایت‌های منتخب مثنوی و مأخذ آن‌ها پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مولانا در راستای انتقال مفاهیم و آموزش نکات مورد نظر خود متناسب با ظرفیت حکایت‌ها با افزودن گفتگوها و گاه شخصیت‌ها و پروراندن دیگر عناصر داستانی، حکایت‌های مرده و نیمه‌جان را با دو بال اندیشه و هنر به پرواز درآورده و از جویباری آرام، اقیانوسی طوفانی و موج آفریده است. لباسی فاخر و نو بر پیکر طرح‌های کهنه پوشانده و در اغلب موارد حکایتی فخیم‌تر و هنری‌تر بر منصفی مرصع و ملون معانی نشانده است.

در پیمودن این مسیر پرفراز و نشیب همواره از هدایت‌ها و راهنمایی‌های دقیق و دلسوزانه‌ی استادان راهنما و مشاور سرکار خانم دکتر مریم خلیلی جهان‌تیغ و آقای دکتر محمد بارانی بهره برده‌ام. سپاسگزار و منت‌دار این دو کوكب هدایت هستم که بر ظلمات وجودم تابیدند و روشنگری کردند.

بر خود فرض می‌دانم که از تمامی استادان بزرگواری که از محضرشان کسب فیض نموده‌ام، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

فاطمه محمودی

آبان ماه ۱۳۸۶

قصه و قصه‌گویی:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ.»

همانا در قصه‌های ایشان بر خردمندان اندرزی نهفته است. سوره یوسف (۱۲) آیه: ۱۱۱

قصه (Fiction) با اندکی تسامح معادل داستان و حکایت می‌باشد و قصه‌گویی شاخه‌ای سترگ از آفرینش هنری است و از زمانی که انسان در آغاز راه ارتباط کلامی قرار گرفت، قصه نخستین حلقه‌ی پیوند آدمیان شد و آن‌ها را گرد هم جمع کرد. قصه‌های نخستین که قدیمی‌ترین آنها داستان‌های هزار افسان می‌باشد همچون انسان‌های نخستین پیچیده نبودند، نقش قصه در آغاز تبیین پدیده‌های ناشناخته‌ی پیرامون انسان و ایجاد ارتباط بود. ایجاد ارتباط همان نقشی است که زبان بر عهده دارد و از این لحاظ قصه و زبان بر یکدیگر منطبق‌اند، زیرا اگر زبان وسیله‌ای برای بیان تفکر باشد، آن‌گاه قصه نمایش تفکر است در ظرف زبان.

قصه همچون دیگر پدیده‌های زبانی دوش به دوش زبان و تفکر به مرور زمان پیچیده‌تر و نظام‌مندتر شد. اما پیچیده‌تر شدنش مانع همه‌گیر شدن آن نگشت.

زمانی قصه فقط نقل می‌شد و یک صورت بیشتر نداشت روایت کلامی، اما رفته رفته صورت‌های دیگری هم پیدا کرد و روایت نمایشی و روایت نوشتاری، هم عرض قصه‌گویی قرار گرفتند.

قصه را می‌توان عنصری اصیل از فرهنگ دانست و فرهنگ بنا به تعریفی همه‌ی جوانب زندگی آدمی را از طرز خواب و خور، زبان، سیاست، دین و جهان‌بینی دربرمی‌گیرد. با قصه می‌توان با زبان جامعه‌ای، مردمی و گروهی از مردم عصر یا دوره‌ای آشنایی یافت. از خوشی و ناخوشی‌ها، کامرانی و ناکامی، عشق‌ها و کینه‌ها، آمال و آرزوهای قهرمانان قصه و در نتیجه‌ی آن از مردم عصر قصه، آگاهی پیدا کرد. کمبودها، بی‌عدالتی‌ها، فقر، جهل، خشونت، ترس، همه و همه در قصه تبلور یافته است و با ظرافت خاصی که فقط انسان‌های نکته‌یاب به آن پی می‌برند، با ما سخن می‌گویند.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا ذیل واژه قصه، قصه و در معانی‌ی خبر، حدیث، سرگذشت، سحر، افسانه و حکایت آمده است.

داستان‌نویسی جدید تمایزاتی بین قصه و داستان قائل شده است. به این معنا که به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هاست قصه می‌گویند. شخصیت‌ها و قهرمان‌ها در قصه کمتر دچار دگرگونی می‌شوند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگون‌اند، شکل ابتدایی و ساختمانی نقلی و روایتی دارند مانند چهل طوطی. و «داستان بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از

آدمی و عادات بشری نوشته می‌شود و به نحوی از انحاء، شالوده‌ی جامعه‌ی نویسنده را در خود منعکس می‌کند.» (میرصادقی، ۱۳۶۰: ۱۷۷)

اما در ادبیات کلاسیک این تفاوت‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و فرهنگ‌نویسان ایرانی اصطلاح‌هایی نظیر داستان، قصه، افسانه، حکایت، سمر (اسمار)، سرگذشت، ماجرا، متل، مثل، اسطوره، حدیث، انگاره، خرافه، حسب حال و ترجمه احوال را اغلب به یک معنی به کار برده‌اند. میرصادقی در تصدیق این مطلب مثال زیر را از طوطی‌نامه ذکر کرده است:

«طوطی قوآل شرایط خدمت و اخلاص در میان نهاد و بلبل، زبان به صدگونه نوا بگشاد که: «حکایات بسیار است و قصه‌ها بی‌شمار، افسانه‌ها فراوان است و داستان‌ها بی‌پایان.» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۴) وی معتقد است که در کل، این اصطلاحات به آثاری گفته می‌شود که جنبه‌ی خلاقه‌ی آن‌ها بر جنبه‌های دیگرشان می‌چربد. قصه در مقابل رمان و داستان کوتاه امروز شامل تمام انواع آثار داستانی می‌شود و از دیرباز در ادبیات اقوام متمدن خصوصاً ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشته است. «اولین بار ایرانیان دست به تصنیف افسانه زدند و آن را به صورت کتاب درآوردند.» (قنبری، سامانی، ۱۳۸۴: ۶۳) گذشتگان با به کار گرفتن قدرت ابتکار و خلاقیت خود، به جای هر گونه جدل و بحث یا توصیه‌ی مستقیم که معمولاً بازخورد منفی به همراه دارد، با زبانی نرم، جذاب، پرکشش و سرگرم کننده به ارائه اندیشه‌ای عرفانی یا اخلاقی می‌پرداخته و سخنان خود را در قالب قصه می‌گنجانده‌اند و داروی تلخ نصیحت را به شهد حکایت و تمثیل چنان می‌آمیخته‌اند که همواره مورد پذیرش و استقبال بوده است و چه بسا همین عامل، سبب حفظ و تداوم آن شده است و به صورت شفاهی یا مکتوب در میان اقوام گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است. به طوری که بسیاری از نویسندگان و شاعران قصه‌های عامیانه را اقتباس کرده و در آثار خود آورده‌اند.

انواع قصه:

قصه‌های سنتی را از جهات مختلف می‌توان تقسیم بندی کرد. میرصادقی در صفحه ۲۵ کتاب ادبیات داستانی از نظر محتوا آن‌ها را به شکل زیر طبقه‌بندی کرده است:

- ۱- قصه‌هایی در فنون کشورداری و آیین فرمانروایی و مملکت داری و لشکرکشی و بازرگانی و علوم رایج زمان و عدل و سیرت نیکوی شاهان و ایران و وزیران مانند: اغراض السیاسه فی اغراض الریاسه، از محمدبن علی طبری سمرقندی

۲- قصه‌هایی که بازگوکننده‌ی شرح احوال و ذکر کرامات عارفان و بزرگان دینی و مذهبی است مانند:

حکایات اسرارالتوحید و تذکره الاولیا

۳- قصه‌هایی که مفاهیم عرفانی و فلسفی و دینی را به وجه تمثیل و به صورت نمادین بیان می‌کند مانند قصه‌های عقل سرخ و آواز پرجبرئیل دسته‌ای از این قصه‌ها جنبه‌ی قدسی و اسطوره‌ای پیدا می‌کند. چون قصه‌های قرآن و قصه‌های پیامبران که در تفسیرها و قصص قرآن و کتاب‌هایی نظیر تاریخ بلعمی آمده است.

۴- قصه‌هایی که جنبه واقعی و تاریخی و اخلاقی آن‌ها به هم آمیخته است و بیشتر از نظر شیوه‌ی نویسندگی و نثر مورد توجه هستند و محور اصلی آن‌ها گفتگو است. و در آن به زیبایی‌های بیانی، سجع و لفظ‌پردازی اهمیت داده می‌شود. حوادث و اشخاص تحت الشعاع الفاظ قرار می‌گیرند. در زبان عربی مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری و در زبان فارسی مقامات حمیدی و بعضی از حکایات گلستان از جمله مقامات مشهور محسوب می‌شوند.

۵- قصه‌هایی که جنبه‌ی تاریخی دارند مانند قصه‌های تاریخ بیهق، تألیف علی بن زید بیهقی و عقدالعلی للموقف الاعلی تألیف افضل کرمانی و قصه‌های تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل بیهقی که به واسطه‌ی چربیدن جنبه‌ی آفرینش داستان آن‌ها بر واقعیت تاریخی‌شان، به قصه‌پهلوی می‌زند.

۶- قصه‌هایی که زمینه و بن مایه‌ی عشقی و عاطفی عدالت خواهانه دارند و قهرمان قصه برای رسیدن به وصال محبوب به ماجراهای گوناگون و رنگارنگ کشیده می‌شود. شکل ساختمانی این گونه قصه‌ها چنان است که گویی از روی یکدیگر نوشته شده‌اند مانند: داراب نامه‌ی بیغمی که گویی از سمک عیار الگو گرفته است.

۷- قصه‌هایی که زمینه‌ی مذهبی و دینی و بن مایه‌ی عقیدتی دارند. در این قبیل داستان‌ها بن مایه‌ی عشقی جای خود را به بن مایه‌ی عقیدتی می‌دهد و اشاعه‌ی مذهب و دین مورد نظر است. مانند: اسکندرنامه‌ها، رموز حمزه، ابومسلم نامه که عصیّت دینی قهرمانان آن‌ها را به جنگ و جدال وامی‌دارد.

عالی‌ترین نوع قصه، قصه‌هایی با بن مایه‌ی عرفانی می‌باشند که در آثار سنایی، عطار و مولوی مجال ظهور بیشتری یافته‌اند و مولانا با قدرت قصه‌پردازی بی نظیر خود و با توصیفات غنی و گیرا و حوادث متنوع، زیباترین و غنی‌ترین آن‌ها را ساخته و پرداخته است.